

نفت و تورم جهانی

دلایل منطقی افزایش قیمت نفت و نقشی که ایران در حل مشکلات

اقتصادی جهان بعهده گرفته است

یست و نهمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، با تعلق جرال د فور د رئیس جمهوری جدید آمریکا در باره اوضاع اقتصادی جهان که منضم تهدید یا اختار و هشدار به کشورهای صادرکننده نفت در باره عواقب خطرناک بافتاری آنها در حفظ قیمت های نفت بود، بیشتر به صحنه بین و گفتگو در باره مسائل اقتصادی جهان مبدل شد و مسائل و مشکلات سیاسی جهان برای نخستین بار در مباحثات مجمع عمومی تحت الشعاع مسائل اقتصادی قرار گرفت.

آقای عباسعلی خلیفتری وزیر امور خارجه ایران نیز قیمت عمده نفتی اعمال خود را در مجمع عمومی به بحث در باره اوضاع اقتصادی جهان و پاسخ به ادعا های مقامات غربی در باره اثرات افزایش قیمت نفت در تورم کنونی جهان اختصاص داده که از نظر اهمیت قیمت حالی از آنرا بنظر خوانندگان میرسانیم :

تأثیر قرار دهد لکن قادر نخواهد بود ناظرین بیدار و مطلع از امور جهانی را متقاعد سازد. طی مذاکرات کنونی دو نفر از سران عالیقدر کشورهای بسیاری از وزرای امور خارجه منجمله برخی از نمایندگان کشورهای که نفت تولید نمی نمایند این اظهارات و مدعیات را تکذیب نموده و در باره این موضوع روشی روشنگرانه اتخاذ کرده اند. بهر حال بانوجه به این حقیقت که ایران يك کشور بزرگ تولیدکننده نفت است بر خود واجب میدانم در این مورد به توضیح برخی نکات پردازم. اکثر گفته میشود که

در هفته های اخیر اعتراض های صورت میگردد و سعی میشود بی نظمی اقتصادی کنونی را با افزایش قیمت نفت مرتبط سازند و گفتگو های درباره افزایش مصنوعی و انحراف و صعود سرسام آور و غیر عادلانه قیمت ها بگوش میرساند بر حسب پیش گوئی آنان جهان بسوی سرنوشتی مصیبت بار پیش خواهد رفت مگر آنکه این قیمت ها فوراً تنزل حاصل نمایند و حتی کشور های تولیدکننده نفت را تلویحاً به قطع جریان مواد غذایی تهدید کرده اند. اینگونه اظهارات ممکن است افراد تازه کار و بی اطلاع را تحت

منوان مواد اولیه محصولات پتروشیمی قابل تطبیق باشد. ثانیاً نسبت بهای فروش نفت در کشورهای بزرگه واردکننده بهیچوجه با بهای نفت کشورهای صادرکننده تناسبی نداشت. زیرا از هر دلاری که مصرف کننده نفت پرداخت می‌کرد فقط ۹ سنت آن بدست تولیدکننده می‌رسد و قسمت اعظم آن به شرکتهای نفتی و همچنین بصورت مالیات به دولتهای کشورهای واردکننده تعلق می‌گرفت.

ثالثاً باید توجه نمود که نفت کالائی تمام شدنی است و بنابر این دولتهای تولیدکننده نفت در قبال ملتها و نسلهای آینده خود که از این کالا بهره‌ای نخواهند داشت مسئولیتی دارند و آن این است که نه تنها برای حفظ این سرمایه‌گرا نهیا اقداماتی بعمل آورند بلکه در مبادله آن با کالاهای دیگر بخصوص با شرکای ثروتمند خود از بهترین شرایط و امکانات استفاده نمایند. چهارم اینکه قریب یک ربع قرن تأمین مداوم نفت ارزان توسط کشورهای در حال توسعه عامل اصلی بالا بردن سطح تولید در کشورهای صنعتی گردیده و به آنها امکان داده است که صادرات خود را توسعه دهند و توازن پرداخت‌های خویش را بهبود بخشند و مقادیر کثیری ارز اضافی ذخیره کنند و علاوه بر این باعث گردید که آنها بتوانند منابع سوختی جامد خود را ذخیره کنند لذا میتوان نتیجه گرفت که در دوره مذکور سیل منابع انرژی از کشورهای در حال توسعه به ممالک توسعه یافته در جریان بوده است. در تمام این مدت شرکتهای نفتی که دولت‌ها در آن سهیم می‌باشند جریان انرژی را بازار آن را تحت کنترل خود گرفته و قیمت نفت را بمیل خود تعیین کرده‌اند و سیاست آنها در تعیین قیمت هیچگونه رابطه‌ای با ارزش واقعی این کالا نداشته و تحت فشار در سطح نازل

وضع ناگوار اقتصاد جهانی و تورم از تنبیر مجدد قیمت نفت ناشی گردیده است. حقیقت مطلب این است که میزان تورم از ۵ سال قبل به نحوی سرسام آورده به فزونی گذارده و به این ترتیب قدرت خرید کشورهای تولیدکننده نفت را تقلیل داده است. هر ساله تولیدکنندگان مواد خام برای وارد نمودن لااقل همان میزان ماشین آلات و کالاهای و مصنوعات که قبلاً وارد مینمودند مجبور به دادن حصه بیشتری از محصولات خود به کشورهای صنعتی بودند و این امر اصولاً موجبات تهیدستی کشورهای تولیدکننده را فراهم می‌آورد. در عین حال با وجود اظهارات مخالف قیمت‌های افزایش یافته نفت اثرات تورمی ناچیزی داشته‌اند و چنین تخمین زده شده است که واردات نفت بیشتر از ۱/۵ درصد افزایش کنونی تورم در کشورهای صنعتی (از حد متوسط افزایش قیمت‌ها که دوازده درصد است) مؤثر نبوده است.

بعبارت دیگر بی‌نظمی در اقتصاد جهانی و بازار پولی قبل از افزایش قیمت نفت سابقه داشته است و این بی‌نظمی اکثراً از اداره ناصحیح اقتصاد در کشورهای اروپائی و امریکا و مصرف فوق‌العاده در کشورهایی که پیشرفت بیشتری داشته‌اند ناشی شده است. عللی که کشورهای تولیدکننده نفت را برانگیخت تا قیمت محصول خود را افزایش دهند بسیار است: اولاً قیمت هر گونه کالا در بازار رقابتی بایستی با قیمت نزدیکترین کالای جایگزین آن قابل مقایسه باشد که در مورد نفت هزینه تولید انرژی از سایر منابع ذغال و نفت حاصل از شن‌های قطران و انرژی اتمی باید در نظر گرفته شود همچنین قیمت بایستی هزینه واقعی تولید را منعکس سازد، به این ترتیب که قیمت نفت خام بمنوان یک منبع سوخت باید با ارزش این کالا

حفظ شده است. این امر سیاست ملل ثروتمند را در نگهداشتن قیمتها در سطح پایین تری از ارزش واقعی کالا منکس میسازد. بعنوان مثال در سال ۱۹۴۷ قیمت نفت خام ایران توسط شرکت های نفتی هر بشکه ۲/۱۷ دلار آمریکا تعیین گردیده و سیزده سال بعد در ۱۹۶۰ این قیمت به ۱/۷۹ دلار کاهش یافت و در تمام سالهای دهه ۱۹۶۰ در این سطح باقی ماند. در همین حال کشورهای در حال توسعه ناچار بودند کالاهای مورد نیاز خود را با قیمت های روز افزون از کشورهای صنعتی وارد کنند. بین سال های ۱۹۴۷ تا ۱۹۷۳ قیمت متوسط ۲۸ کالای اساسی (باستثنای نفت) تا بیش از ۳۵۰ درصد افزایش یافت.

مصرف روز افزون نفت اذعان همراه با کاهش قیمت آن در کشورهای صنعتی پیش از پیش موجب افزایش شکاف بین کشورهای توسعه یافته گردید. بدین معنی که کشورهای توسعه یافته با استناد از منابع کشورهای تولید کننده با آهنگی سریع پیشرفت کردند. مع الوصف این کشورها که بقیمت فقر مابه ثروت رسیده بودند هرگز توجهی به مشکلات و مسائل کشورهای در حال توسعه ننموده و حتی راضی نشدند که یک درصد از تولیدات ناخالص ملی خود را در بهبود وضع کشورهای توسعه نیافته صرف کنند.

برخلاف آنها ما پیوسته مشکلات ملل در حال توسعه را در نظر داشته و بمحض آنکه تعدیل قیمت نفت تحقیق یافت کمکهای دو جانبه و چند جانبه خود را به کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته آغاز نمودیم که من بسا باین موضوع اشاره خواهم کرد. ما همچنین به لزوم تجدید نظر در

قیمتها واقفیم و مذاکراتی را بدین منظور آغاز کرده ایم اما این امر تنها از طریق مذاکرات مستدل و منطقی و چند جانبه امکان پذیر است و متهم ساختن تولید کنندگان نفت مشکلی را حل نمیکند.

ششمین اجلاسیه خاص مجمع عمومی این مشکل را بنحوصحیحی مطالعه نمود و هم خود را به بررسی و توصیه راه حل هایی برای مشکل مواد خام و توسعه اختصاص داد. آنچه از اجلاسیه خاص مجمع عمومی حاصل گردید اساسا اعلامیه ای بود که در جهت ایجاد یک نظام جدید اقتصادی بین المللی و برنامه اجرایی آن صادر گردید. این تصمیمات در جریان متغیر نظام اقتصاد جهانی نقطه عطفی بشمار میرود.

صرف نظر از هر گونه تقسیمه ای که ممکن است در دو تصمیم اتخاذ شده از طرف اجلاسیه خاص بیچشم بخورد نمیتوان منکر شد که این اجلاسیه نقطه عطفی در وضع اقتصادی جهان ما بخصوص در روابط بین کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه بوجود آورده است این دو تصمیم روشن تر از هر زمان دیگر واقیعت وضع همبستگی موجود بین ملت ها را اعم از آنکه جزء کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته جهان باشند آشکار میسازد. ماحصل کار بطور کامل نشان دهنده این واقیعت است که اعمال نفوذ بیش از حد قدرتهای مشتی در اتخاذ تصمیماتی که به سراسر جهان ارتباط حاصل میکند فطری است که در تاریخ بشریت به اتمام رسیده است.

در مقابل عصر جدیدی آغاز شده که در آن مشکلات ظاهرا سهمگین جهانی را میتوان با

اگر خواسته باشیم در نیل به این هدف توفیق یابیم بایستی برای انجام يك تجدید نظر اساسی در مفاهیم و روش های نظام اقتصاد بین المللی کوشش های جمعی هم آهنگی بعمل آوریم و اگر بخواهیم نظام اقتصادی نوینی بر اساس عدالت و برابری کامل و همبستگی متقابل و منافع مشترك و همکاری میان کلیه ملل بوجود آوریم بایستی در نظام موجود تغییرات اساسی انجام پذیرد و در این زمینه باید امیدوار باشیم که کشورهای صنعتی جهان اجازه نخواهند داد امکانات موجود برای همکاری با سایر ملل برای یافتن راه حل های مناسب از دست برود .

ایران به هم خود پیوسته لزوم کمک به کشور های دیگر بخصوص کشورهای در حال توسعه را مد نظر قرار داده است من در اینجا مایل نیستم شرح مبسوطی از کوشش های وسیع دولت متبوع خود در این زمینه بدست دهم اما شاید تکرار این نکته مناسب باشد که جمع کل تعهدات دوجانبه و چند جانبه ایران به سایر کشور ها هم اکنون به ۹ بیلیون دلار رسیده و احتمالاً تا پایان برنامه پنجم یعنی ماه مارس ۱۹۷۸ این رقم از بیست میلیارد دلار تجاوز خواهد کرد . این مبلغ با هر معیاری که سنجیده شود خواه تولید ناخالص ملی یا درآمد سرانه یا عایدات نفت یا میزان جمعیت یا هر معیار دیگر از کمک هیچ کشور دیگری کمتر نیست در واقع جمع کمک های اعطائی ما با توجه به درآمد ناخالص ملی از میزان کمک سایر کشورها بیشتر است . علاوه بر این بمنظور افزایش و متنوع

شایستگی در چهار چوب روابطی که بر اساس همکاری و برابری مطلق بین کشورها استوار شده باشد حل و فصل نمود .

شهریار عظیم الشان ما در پیامی که بنسبیت افتتاح شمشین اجلاسیه خاص خطاب به مجمع عمومی ایراد فرمودند به این گونه تحول امکان پذیر در وضع اقتصادی بین المللی اشاره نموده و چنین ابراز داشته اند هیچ چیز بهتر از این واقعیت روح زمان ما را منعکس نمی سازد که این اجلاسیه خاص برخلاف اجلاس های قبلی از جنک و اختلاف بین کشورها ناشی نگردیده بلکه در اثر شناخت روز افزون همبستگی بین کشورها تشکیل شده است . . . وقت آن رسیده است که اقداماتی را در جهت ایجاد يك اقتصاد منطقی در جهان آغاز کنیم .

از جمله مواد خامی که در اختیار کشور های در حال توسعه قرار داد بایستی ارزش واقعی و ثابتی در مقایسه با قیمت کالاهای وارداتی از بازار صنایع بدست آورد . تجارت باید پیش رفتی برای همه ملل باشد با توجه باین نکته که سعادت ملتهای فقیر ضرورتاً از رفاه و ثروت کشورهای غنی نخواهد کاست . مع الوصف عدم توازن اقتصادی که همچنین بین کشور های در حال توسعه و توسعه یافته وجود دارد ، بقدری وخیم و بحرانی است و جریاناتی که باعث افزایش شکاف بین این کشورها میشود بقدری انعطاف ناپذیر بنظر میرسد که نمیتوان مانند گذشته فعالیت هارا در این زمینه به اقدامات اصلاحی و خاصی محدود نمود .

های صنعتی و کشورهای وام گیرنده بعهده بگیرند و هر يك از نمایندگان دارای يك رای باشد. این اسلوب رای دهی بمفهوم یاری و مساعدت چند جانبه رنگی تازه میبخشد.

مع الوصف حامل مساعی ما در جهت تأسیس صندوق مزبور تاکنون چندان دلگرم کننده نبوده است ولی نتایج حاصله از مساعی ایران در این زمینه در صحنه بین المللی مانع از آن نشده است که این کشور مشتاقانه و با جدیت برنامه كمك های خود را بر اساس دو جانبه و چند جانبه و موافق با شیوه ها و روش هایی که فوقاً تشریح نمودم دنبال کند. بهر حال ادامه کاری که در طی ششمین اجلاسیه ویژه با چنان بزرگواری و علو طبعی پا گرفت اکنون حتمی است. بررسی و مطالعه کلی اجرای برنامه اجرائی که در بهار گذشته بتصویب رسید بعهده اجلاسیه ویژه آتی مجمع عمومی سازمان ملل متحد محول شده است و اجلاسیه مزبور سال آینده و پیش از سی امین اجلاسیه عادی انعقاد خواهد یافت تا به امر عمران و توسعه همکاری های اقتصادی بین المللی بپردازد. تا آن زمان برخی مشکلات که بر تحصیل توافق آراء در باره اعلام برقراری يك نظام جدید اقتصادی بین المللی و برنامه اجرائی آن سایه افکند فروکش خواهد کرد.

ساختن كمك های ایران به کشورهای در حال توسعه از طریق برنامه توسعه سازمان ملل که ایران كمك دهنده اصلی آن بشمار میرود و مذاکراتی با مسئولین این برنامه در جریان است. هر چند ایران بزرگترین میزان كمك فوری و عمرانی را در سال جاری به کشورهای در حال توسعه داده است مع هذا تصمیم گرفته که كمك جداگانه ای ببلخ بیست میلیون دلار جهت عملیات فوری سازمان ملل اختصاص دهد.

همچنین بمنظور تخفیف فشاری که از افزایش بهای خوار و بار و مواد خام و کالای صنعتی بر کشورهای رو به رشد و توسعه وارد میشود و به منظور برداشتن گامی بزرگ در راه کاستن از فاصله موجود میان ملل غنی و فقیر از طریق انتقال واقعی امکانات مالی اعلی حضرت شاهنشاه آریامهر برای اولین بار در تاریخ سوم اسفندماه ۱۳۵۲ پیشنهاد فرمودند که يك صندوق عمران ویژه تأسیس شود تا پاساژگویی نیازمندیهای مبرم کشورهای رو به توسعه باشد این صندوق با سرمایه اولیه دو الی سه بلیون دلار که مشترکاً از جانب کشورهای صادرکننده نفت و کشورهای صنعتی پرداخت میشود شروع بکار میکرد و برای تضمین طرز عمل و اقدام منصفانه و بیطرفانه و واقع بینانه صندوق قرار بود اداره آن را هیئت رئیسه ای مرکب از نمایندگان کشورهای صادرکننده نفت و کشور